



چهارباغ: کهن الگوی باغ ایرانی

کلنار محبعلی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نظام ساختاری باغ ایرانی (کالبدی و ذهنی)

باغ ایرانی با شرایط محیط طبیعی و سبتر شکل گیری خود سازگاری کامل دارد و آنچه باعث تداوم حیات آن در گذر زمان شده است، همین مهم است. شیب زمین، جهت قرارگیری باغ را مشخص می‌کند و محور اصلی در امتداد آن قرار می‌گیرد. به این ترتیب امکان دید از بالا به کل باغ و از پایین به محور وجود خواهد داشت. جریان آب با استفاده از قنات و چاه‌ها به سطح کشیده می‌شود تا حضور آب موجب مطلوب‌تر شدن اقلیم خرد در محدوده باغ شود و نیز حضور آب و جوشش آن از میان حوض‌های بی‌دری تصویر باغ را در خود منعکس کند و سرزندگی محیط را بیشتر کند. باغ ایرانی بهشت کوچکی است در دل بیابان.

در باغ ایرانی هر چیز در جایگاه باستانی‌ها و نایب‌ترین‌ها و خویشتن قرار گرفته‌است. استفاده از مواد و مصالح، گیاهان، آب، هندسه و طرح در ایجاد باغ ایرانی بسیار آگاهانه صورت پذیرفته‌است و شناخت عمیق ایرانی از محیط زیست و اقلیم، جهت صحیح استفاده از مصالح را به وی نشان می‌داده به گونه‌ای که باغ ایرانی از نوعی طراحی اقلیمی متعالی برخوردار بوده‌است (بمانیان، ۸۶).

تعریف باغ ایرانی

باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی، تاریخی و کالبدی در سرزمین ایران است و معمولاً به صورت محدوده‌ای محصور که در آن گیاه، آب و انبیه در نظام معماری مشخصی با هم تلفیق می‌شوند و محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان به وجود می‌آورند، ساخته می‌شود (شاهچراغی، ۱۳۸۷).

باغ ایرانی، رابطه تنگاتنگ طبیعت و پیشینه فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد و بیانگر سازگاری میان نیازهای انسان و طبیعت است (Behbahani, ۲۰۰۶). باغ ایرانی بیانگر یک تفکر است. انسان در طول سال‌ها در صدد بوده تا با به تصویر کشیدن بهشت و عالم مینوی در باغ‌ها، عالم دیگر را به صورت عینی برای خود ایجاد کند که فضایی است مملو از احساس آرامش، امنیت و لذت. باغ ایرانی، آن فضای سبز و منظم، در واقع الگویی ابتدایی و قدیمی است که پیچیده‌ترین نیازهای انسان را برآورده می‌کند و علایم بیرونی و قابل رویت از شکوهی درونی و غیر قابل رویت را عرضه می‌کند و نظم و معنایی ابدی در نلاطم بحران دنیوی، زندگی جاودانی علی‌رغم فناپذیری و آرامش بعد از هیاهو را وعده می‌دهد (خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳).

نظام های حاکم بر باغ ایرانی

است، لیکن پیوستگی و امتداد دید از داخل به خارج و خارج به داخل کوشک، موجب می شود به عنوان بخشی از باغ درک شود و در منظر باغ گسست ایجاد نشود.

نظام تمرکز حواس: محیط باغ ایرانی به طور همزمان به همه حواس پنجگانه انسان می پردازد، هم به تجربه مستقیم انسان در می آید و هم به طور همزمان، باشنده در باغ را به سطحی انتزاعی و نمادین از مفاهیم و معانی هدایت می کند. (میرفندرسکی، ۱۳۸۳). رایحه و عطر گل ها و میوه ها حس بویایی و چشایی را جلب می کند و حرکت بر زمین نرم، به همراه احساس لطافت گیاهان و آب، در حرکت به سمت کوشک، حس لامسه انسان را متوجه خود می کند. به بیان دیگر در باغ ایرانی غنای حسی وجود دارد.

چهارباغ: نمونه ای از هم کناری طبیعت، باغ، شهر و انسان

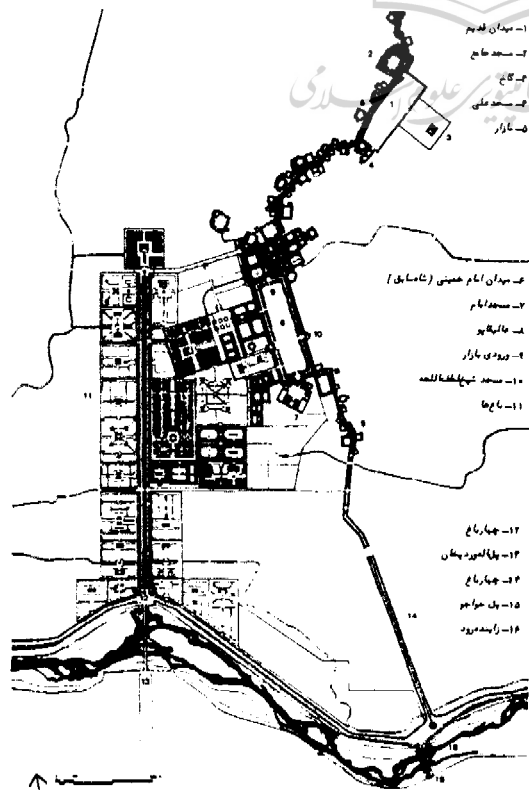
نقشه شهر اصفهان و باغ هایش در عهد صفوی بیانگر آن است که نه تنها باغ ها از موقعیت شهری تاثیر پذیرفته اند، بلکه موقعیت شهری نیز متأثر از مجموعه باغ ها و فضاهای شهری سازمان دهنده آن ها یعنی میدان شاه و خیابان چهارباغ است (عالمی، ۱۳۷۷). چهار باغ اصفهان در مقایسه با سایر باغ های ایرانی، از قبیل باغ شاهزاده ماهان، باغ دولت آباد یزد، باغ چهل ستون اصفهان، باغ فین کاشان و ... یک ویژگی بارز دارد و آن قرارگیری در درون بافت شهر و ارتباط تنگاتنگ با زندگی عموم مردم است.

نظام ساختار هندسی: مهمترین اصل در طرح اندازی باغ ایرانی، نظام ساختاری آن است که بر پایه نظم هندسی قرار دارد. محورهای مستقیم و هدفمند طراحی شده در باغ ایرانی، احساس هدفدار بودن، تأمل و اکتشاف را به انسان می دهد. نظام جهت دهنده اصلی در باغ ایرانی به همراه نظام تمرکز حواس، محیط مساعدی برای خلوت مطلوب، کسب آرامش و تأمل برای انسان پدید می آورد (میرفندرسکی، ۱۳۸۳).

چهارباغ هم معبری شهری بود. هم گردشگاه عمومی و هم محوری که همراه با زاینده رود، اساس ساختار شهر جدید اصفهان را بدید می آورد. چهارباغ فقط خیابانی با کف سازی و حوض و درخت و باغچه و تخت نبود، بلکه نمونه ای کامل از معماری شهری بود، با آغاز و انجام معین و بدنه های سنجیده و طراحی شده. چهار باغ گردشگاهی بود که هم می توانستند در آن گام بزنند و تفریح کنند و هم در کوشک ها و نظرگاه های اطراف، به مناظر و گذران زندگی بنگرند (اسماعیلی، ۱۳۸۵).

نظام منظر: با ورود به باغ ایرانی، محوری در امتداد دید بیننده قرار می گیرد که دید به کوشک یا منظر دور دست را امکان پذیر می کند و حسی از پیوستگی، تقارن و هماهنگی در منظر را القا می کند.

نظام سایه: کاشت درختان بلند در امتداد محور حرکتی، حالتی از سایه روشن در فضا ایجاد می کند که هم نقش هدایت کننده دارد و هم دعوت کننده.



نظام آواها: جلوه های مختلف حضور آب در باغ، صدای خروش آن در جوی ها و سینه کبکی ها و فواره ها، صدای حرکت باد از میان درختان، حضور پرندگان تحت تاثیر گونه های گیاهی مختلف، مجموعه اینها، نظام آوایی را در باغ ایرانی به وجود می آورد.

نظام آب: یکی از مشخصه های مهم باغ ایرانی، تمایل زیاد به نمایش آب بود (پیرنیا، ۱۳۷۳). در کشور نیمه خشک ایران، آب همواره عزیز و محترم بوده است، در باغ ایرانی نیز نمایش آب، حضور آن در سطح و یا پنهان شدنش در زیر کوشک ها هم بر جنبه زیبایی شناسی باغ می افزاید و هم جنبه کارکردی آن را که آبیاری و حیات بخشیدن به باغ است به یاد می آورد. نمایش آب به صورت خطی، حوض، فواره و جوی، با ایجاد رطوبت، فضا را خنک می کند و بوی خاک را در هوا می پراکند.

نظام کاشت گیاه: در باغ ایرانی کاشت گیاهان نظم معین خود را دارد، انتخاب و کاشت گیاهان در باغ ایرانی با هدف معطر ساختن فضا، استفاده از گل و میوه، سایه اندازی و تلطیف هوا، ایجاد محصوریت و هدایت دید صورت می گیرد. کربندی هایی که کاشت گیاهان به خصوص در هر یک از آنها جالب توجه است، ناظر بر هدفمند بودن نظام کاشت است.

نظام استقرار اینیه: کوشک، محلی برای استقرار و نظاره باغ

ماخذ: کتاب نظری احتمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، محمد یوسف کیانی، ۱۳۶۵

شهرنشینی

هر چند تلفیق با طبیعت در طراحی خیابان‌های قبل از چهار باغ وجود داشت، استفاده اندیشیده از آب و گیاه برای تحت تاثیر قرار دادن تمامی حواس در مواجهه با فضای شهری تا عصر صفوی بی‌سابقه بود (اهری، ۸۵). این امر در مقیاسی کوچک‌تر، آن هم در باغ و نه فضای شهری معمول بود، اما در مقیاس شهری تازه‌کی داشت و چنان موثر بود که بیشتر منابع آن دوره از آن یاد کرده‌اند. چهارباغ تنها خیابانی ساده نبود، بلکه طرح و نقشه‌ای از شهرسازی عصر صفوی بود که می‌شد در آن جنبه‌های مختلف زندگی را در ترکیبی از هنر انسان و طبیعت زیبا دید؛ خابانی که "گردشگاه مشجر عمومی اصفهان" بود (اسماعیلی، ۱۳۸۵).

امتداد محور چهارباغ از شمال به جنوب، تقسیم‌بندی‌های هندسی در امتداد محور و در باغ‌های مجاور آن و تاثیر راستای شمالی جنوبی در توسعه درون شهر اصفهان که خود مبین رابطه ساختاری میان باغ و شهر است، نظام ساختار هندسی باغ را شکل می‌دهد.

همچنین حرکت‌های فرعی شرقی غربی، عمود بر محور مرکزی از طریق کوچه‌های مجاور دیوارهای باغ‌ها حفظ می‌شود. مجموعه مدرسه و کاروانسرای و بازارچه بلند چهار باغ نمونه بارزی است از این نوع توسعه که رابطه ساختاری میان باغ و شهر را محفوظ نگاه می‌دارد (میرفندرسکی، ۱۳۷۶).

نظام حرکت آب در توصیف پیتر و دولاوله جهانگرد ایتالیایی که در دوران سلطنت شاه‌عباس کبیر مدتی در اصفهان پایتخت ایران به سر برده‌است از چهارباغ قابل درک است. حوض‌های چهارباغ به اشکال مختلف در وسط خیابان قرار گرفته و مسنواز آب بود. وسعت حوض‌ها تا کنار معبر عریضی که برای عبور مردم پیاده و سوار ساخته بودند، گسترده بود. آب این حوض‌ها از نهر بزرگی که در بستر سنگی جاری بود و تمام طول خیابان را از میانه می‌پیمود، نامین می‌شد.

در این بخش شهری چهارباغ و محدوده پیرامون آن تمامی محورهای اصلی باغ‌ها در جهت شرقی غربی هستند و به نوعی همسوار با حرکت آب رودخانه و منادی آن در این شهر است. چهارباغ، همچون اکثر باغ‌های ایران به باغ‌های پیاده‌نوردی، سواران و سینه‌ها تقسیم شده، برای عبور و رفتن سواره‌ها، پیاده‌نوردان و حیوانات، غربی شرقی و شرقی غربی است. این حوض‌ها جهت راه عبور سواره‌ها و پیاده‌نوردان است و در این حوض‌ها سواره‌ها و پیاده‌نوردان می‌توانند از آب شرب استفاده کنند. در این حوض‌ها سواره‌ها و پیاده‌نوردان می‌توانند از آب شرب استفاده کنند. در این حوض‌ها سواره‌ها و پیاده‌نوردان می‌توانند از آب شرب استفاده کنند.



نمایی از شهر اصفهان، پیوند میان شهر و طبیعت (ماخذ: کیایی، ۱۳۷۴)



منظره چهارباغ از بالا از بل الهوردی خان تا باغ هزار حریب (اواخر دوره قاجاریه) - (ماخذ: هرفر، ۱۳۴۹)



منظره چهارباغ از بالا از بل الهوردی خان تا باغ هزار حریب (اواخر دوره قاجاریه) - (ماخذ: هرفر، ۱۳۴۹)



فهرست منابع و مآخذ

- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۵)، چهارباغ در سفرنامه‌ها، گلستان هنر، پاییز ۸۵، صفحات ۴۷-۳۹.
- اهری، زهرا (۱۳۸۵)، خیابان چهارباغ اصفهان، مفهومی نو از فضای شهری، گلستان هنر، پاییز ۸۵، صفحات ۵۹-۴۸.
- بنامیان، محمد رضا و دیگران (۱۳۸۷)، بررسی بنیادهای فرهنگی محیطی در عناصر کالبدی باغ‌های ایرانی (قبل و بعد از اسلام)، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره یک، بهار ۸۷.
- بیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۳)، باغ‌های ایرانی، نشر به آبادی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- خوانساری، مهدی و دیگران (۱۳۸۳)، باغ ایرانی بازتابی از بهشت، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- عالمی، مهوش (۱۳۷۷)، باغ‌های شاهی عهد صفوی و روابط آنها با شهر، محله معماری و شهرسازی، شماره ۴۲ و ۴۳.
- کیایی، محمد یوسف (۱۳۷۴)، پایتخت‌های ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کیایی، محمد یوسف (۱۳۶۵)، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، تهران، سازمان ارشاد اسلامی.
- میرفردسکی، محمد امین (۱۳۸۰)، باغ در مفهوم باغ، فصلنامه هفت سپهر، سال دهم، شماره ۳.
- مصدقی، محمد مسین (۱۳۸۳)، باغ ایرانی حسب باغ ایرانی (مطالعه موردی: باغ‌های اصفهان)، شماره ۴۱.
- میرفردسکی، محمد امین (۱۳۷۶)، باغ به مثابه پس‌انداز شهری، فصلنامه مطالعات شبکه طراحی معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی، کشور، شماره ۱۳.
- میرفردسکی، محمد امین (۱۳۶۹)، چهارباغ اصفهان، محمد حسن و نورمحمد، دوره اول، شماره ۱.

دولالواله گیاهان چهارباغ را چنین توصیف می‌کند: سطح باغ‌ها در چهارباغ - یکی بالاتر از دیگری قرار دارد، منتهی عبور از آن‌ها با اسب به آسانی صورت می‌گیرد. در آنجا چیز دیگری جز رشته درختان پرشاخ و برگ میوه وجود ندارد و تمام آن‌ها آنقدر کوتاهند که پیاده‌ها و سواران با دست می‌توانند میوه بچینند و به علاوه هر محوطه‌ای مخصوص درختان خاصی است، مثلاً یک مربع مخصوص درختان انجیر و مربع دیگر مخصوص درختان هلو است و به همین نحو الی آخر - که اشاره دارد به کرت بندی اراضی پیرامون محور اصلی و اختصاص هر یک از آنها به یک گونه گیاهی خاص که عموماً هم منظم بودند.

همچنین می‌گوید: این باغ‌ها متعلق به شاه است ولی مردم با آزادی کامل از آن‌ها استفاده می‌کنند و آنقدر میوه در آن وجود دارد که برای تمام شهر کافی است و حتی زیاد است. در طول و عرض باغ راهروهای بسیاری وجود دارد که اطراف آنرا درختان سرو کاشته‌اند و این معابر به اندازه‌ای طویل می‌باشند که انتهای آنها دیده نمی‌شود (هرفرف، ۱۳۴۹).

بل الله‌وردی‌خان نیز - که رابط میان چهارباغ بالا و پایین است تنها گردشگاه را به آن سوی رودخانه نمی‌کشاند بلکه خود یکی از مراکز اصلی و هیجان‌انگیز آن است. عملکرد آن به صورت یک نماد تفریح افرا و تاسکوه است. در این مکان، تکیه گنبدی شکل در این چهارباغ به مانند گردشگاه در باغ‌های اصفهان دیده می‌شود. در دوره صفوی و عهد قاجار چهارباغ‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که در آن‌ها حیوانات وحشی در باغ‌ها و درختان کهنه و تنگ درختان چهارباغ در کنار هم دیده می‌شدند. در این باغ‌ها، حیوانات وحشی در کنار درختان کهنه و تنگ درختان چهارباغ در کنار هم دیده می‌شدند.

در دوره صفوی، چهارباغ‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که در آن‌ها حیوانات وحشی در کنار درختان کهنه و تنگ درختان چهارباغ در کنار هم دیده می‌شدند. در این باغ‌ها، حیوانات وحشی در کنار درختان کهنه و تنگ درختان چهارباغ در کنار هم دیده می‌شدند.

Behaehi, Farno and Khosravi Fakhri (2008) Iranian Garden: A Place of Coexistence. City Nature, Landscape, Case study: Tehran Gardens in 9th Century. Environmental Science 12 (Summer), Pps. 79-80.